



## مسئولیت مدنی اولیاء و سرپرستان ناشی از نقض حق بر آموزش اطفال و نوجوانان

سید محمد تقی کریم پور آل هاشم

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶

### چکیده

کار حاضر در صدد بوده، مسئولیت مدنی اولیاء و سرپرستان اطفال و نوجوانان در قبال نقض حق بر آموزش ایشان را مورد بررسی قرار دهد. تحقیق حاضر به شیوه توصیفی\_تحلیلی انجام و به این نتیجه رسیده است که اولاً: در نظام حقوقی ایران، تعهد دولت مبنی بر فراهم آوردن وسایل اعمال حق بر آموزش، تعهد به وسیله است، موضوع این تعهد نیز از قسم اعمال حاکمیتی است، لذا در این مورد، مسئولیت دولت در حقوق داخلی قابل احراز نمی‌باشد؛ ثانیاً: کارکنان دولت در صورتی که قانوناً سرپرست باشند، برابر مقررات عمومی، مسئولیت مدنی خواهند داشت؛ ثالثاً: اولیاء و نیز سرپرستان قانونی و عملی در صورت نقض حق بر آموزش اطفال و نوجوانان در قبال ضررهای مادی و معنوی وارده به ایشان در صورت احراز تقصیر، دارای مسئولیت مدنی خواهند بود. مسئولیت مدنی ناشی از ورود ضرر به اشخاص ثالث در نتیجه نقض حق بر آموزش، از قلمرو بحث بیرون است.

واژه‌های کلیدی: حق، حق بر آموزش، اطفال، نوجوانان، مسئولیت مدنی

## مقدمه

امروزه سه حق حیات، آزادی و آموزش جوهره حقوق بشری را تشکیل می‌دهند (دریکوند، ۱۴۰۱)؛ اما در این بین حق بر آموزش بی‌گمان مبنای آن دو حق دیگر است، چرا که حیات منهای آزادی خالی از محتوا بوده و آزادی جز از مسیر آموزش قابل تحقق نمی‌باشد، لذا زندگی بدون آموزش نیز تفاوتی با مرگ نداشته، بلکه بدتر است، از آنجایی که حداقل از مرده فعل یا ترک فعلی سر نمی‌زند. آموزش غیرهدفمند و بدون برنامه‌ریزی مضر به حال بشر و بشریت است و برنامه‌ریزی برای آموزش، صرفاً دایر مدار نقش آفرینی حکومت و عمال آن نبوده، بلکه در سطوح پایین‌تر دامن تمامی اولیاء و سرپرستان اطفال و نوجوانان را در برمی‌گیرد. چگونه می‌توان حالتی را تصور نمود که اولیاء و سرپرستان با آموزش‌دهندگان همکاری نمایند و امر آموزش نیز به خوبی پیش رود؟

سؤال اساسی این است که: هر گاه اولیاء و سرپرستان کودکان و نوجوانان حق بر آموزش ایشان را نقض نمایند، آیا صرف نقض حق بر آموزش موجبات مسئولیت مدنی ایشان را فراهم خواهد نمود یا خیر؟ پاسخ به این سؤال بر خلاف ظاهر آن به غایت مشکل و پیچیده است؛ چرا که در گرو پاسخ به پرسش‌های جزئی‌تری خواهد بود؛ از جمله اینکه: ماهیت حق بر آموزش چیست؟ من علیه الحق (یا متعهد) این حق چه اشخاصی هستند؟ شرایط ایجاد مسئولیت برای این اشخاص کدامند؟ برای پاسخ به این سؤالات، بدوا باید تکلیف واژه‌های سهل و ممتنع روشن گردد؛ از جمله مفاهیم: حق، آموزش، حق بر آموزش، ولی، سرپرست، مسئولیت مدنی، ضرر مادی و ضرر معنوی. واژه‌شناسی فوق باید منطبق بر قوانین و اصول حقوقی انجام گیرد و تعاریف لغوی و عرفی در غالب موارد وافی به مقصود نخواهند بود.

نظر به مراتب فوق باید در مبحث اول به دقت مفهوم و قلمرو اصطلاحات فوق مورد بررسی قرار گرفته و در مبحث دوم مبانی مسئولیت مدنی اولیاء و سرپرستان موضوع مطالعه واقع و در انتها آثار قانونی مترتب بر شناسایی مسئولیت مدنی اولیاء و سرپرستان محل بحث واقع گردد.

## روش پژوهش

تحقیق حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفته و گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای است به این ترتیب که ابتدا با تدارک پلان ابتدایی به کتب،

مجلات، نشریات و اینترنت مراجعه و اقدام به فیش‌برداری نموده و در ادامه با تدارک پلان نهایی اقدام به تجزیه و تحلیل داده‌ها نموده و در واپسین اقدام به ارائه دستاوردهای تحقیق اهتمام نموده‌ایم.

## تعریف و قلمرو قانونی اصطلاحات

در حق بر آموزش<sup>۱</sup> نخستین واژه‌ای که به چشم می‌خورد واژه حق<sup>۲</sup> است. در نظام حقوق نوشته همچون نظام‌های حقوقی ایران و اسلام، تعاریف باید نخست از قانون اخذ و در موارد سکوت به دکترین حقوقی مراجعه شود؛ از آنجایی که در قوانین تعریف جامعی از حق ارائه نشده، باید به دکترین مراجعه نمود، که در دکترین دو تعریف از حق ارائه شده؛ اول: سلطه و اقتدار شخص نسبت به شخص دیگر یا نسبت به مالی و دوم: اختیار قانونی برای شخص نسبت به شخص دیگر یا نسبت به مالی (کاتوزیان، ۱۳۹۵)؛ لذا اگر سلطه و اقتدار یا اختیار قانونی شخص دارنده حق نسبت به شخص دیگری باشد، به این قسم، حق شخصی یا دینی اطلاق شده و در صورتی که نسبت به مالی باشد، به آن حق عینی گفته می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۸). من علیه حق در حق شخصی یا دینی، شخصی است که حق علیه او مقرر شده و من علیه الحق در حق عینی را می‌توان عموم اشخاص جهان به‌شمار آورد (کاتوزیان، ۱۳۹۴؛ صفایی، ۱۳۹۸).

آموزش (سلامتی و همکاران، ۱۴۰۱) در تحقیق حاضر مشتمل بر تحصیلات کلاسیک از آغاز دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه است، اعم از اینکه به‌صورت رسمی باشد یا غیررسمی (حججی نجف‌آبادی و همکار، ۱۳۹۸). بنابراین تحصیلات عالی و تکمیلی را در برنمی‌گیرد؛ لذا حق بر آموزش اطفال و نوجوانان مشتمل بر حق ایشان از برخورداری از آموزش واجد اوصاف قانونی می‌باشد، پس این حق از قسم حق شخصی و غیرمالی بوده و من علیه الحق آن مشتمل بر: دولت به معنای عام و خاص کلمه، کارکنان دولت، اشخاص طبیعی (انسان‌ها) و اشخاص حقوقی حقوق خصوصی و حقوق عمومی داخلی است؛ لذا تحقیق حاضر ناظر بر مسئولیت‌های بین‌المللی عمومی (یعنی تعهدات دولت‌ها در عرصه بین‌المللی) نمی‌باشد.

اطفال جمع طفل و طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است، که اماره آن برای دختر ۹ سال تمام قمری (یعنی حدوداً ۸ سال و نه ماه شمسی) و برای پسر

<sup>۱</sup> . Right to Education

<sup>۲</sup> . Right

(کاتوزیان، ۱۳۸۲) عبارتند از: تعهد شخص به جبران خسارت ناشی از یا در ارتباط با او که به دیگری وارد شده است (کریم پور آل هاشم، ۱۴۰۲). که در تحقیق حاضر معنای مضیق اخیر (یعنی معنای دوم) از مسئولیت مدنی مأخوذ گردیده؛ یعنی تعهد اولیاء و سرپرستان مبنی بر جبران خسارات مادی و معنوی ناشی از نقض حق بر آموزش اطفال و نوجوانان. لازم به ذکر است که در کار حاضر صرفاً به جبران ضررهای مادی و معنوی مستقیم وارده به اطفال و نوجوانان که ناشی از نقض حق بر آموزش ایشان باشد، پرداخته شده و به خساراتی که در نتیجه نقض این حق، از سوی اطفال و نوجوانان به اشخاص دیگر وارد می‌شود (مسئولیت ناشی از فعل غیر)، پرداخته نشده و محققین را به تحقیق جداگانه دعوت می‌نماید. در این پژوهش خسارات مالی و جانی که از صرف عدم رعایت حق بر آموزش ناشی نشده‌اند، محل مطالعه قرار نگرفته‌اند (احمدزاده و همکاران، ۱۳۹۴؛ اسلامی و همکار، ۱۳۹۲)؛ این قسم مستلزم کارهای دیگری است.

#### مبانی قانونی مسئولیت مدنی اولیاء و سرپرستان ناشی از نقض حق بر آموزش

مسئولیت مدنی الزام ناشی از قانون است (ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹)، لذا مبنای مسئولیت مدنی اولیاء و سرپرستان همانا قانون است، اما قوانین مختلفند و ممکن است داخلی بوده یا جنبه بین‌المللی داشته باشند؛ در عین حال در عرف بین‌المللی، با شرایطی، قوانین بین‌المللی بر قوانین داخلی حکومت می‌نمایند (اسلامی و همکار، ۱۳۹۲)؛ نظر به مراتب فوق باید ابتدائاً مبانی بین‌المللی الزام مرتبط با حق بر آموزش کشف و در ادامه قوانین داخلی ایران با توجه به سلسله مراتب قوت قوانین از اساسی تا عادی با توجه به قوانین قبل و بعد از انقلاب کشف و پس آنگاه تعهدات تک تک اشخاصی که من علیه الحق بر آموزش اطفال و نوجوانان هستند استخراج و در ادامه قواعد خاص مرتبط با مسئولیت فوق ارائه گردد تا قادر باشیم در مبحث آینده آثار این قسم از مسئولیت مدنی را بررسی نمائیم.

در خصوص الزامات بین‌المللی ناظر بر لزوم رعایت حق بر آموزش اطفال و نوجوانان، اسناد الزام‌آور و غیر الزام‌آور فراوان هستند، اما اسناد غیر الزام‌آور نیز مبانی و اهداف اسناد الزام‌آور بین‌المللی را تشکیل داده و بر اجرای قواعد الزام‌آور نظارت مدام و سیستمیک دارند. عمدتاً در کارهای

۱۵ سال تمام قمری (حدود ۱۴ سال و هفت ماه شمسی) است (ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی) و نوجوان به کلیه انسان‌هایی گفته می‌شود که در سن بالاتر از طفولیت و پایین‌تر از رشد قانونی قرار دارند (۱۸ سال تمام شمسی) (ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک، ۱۹۸۹ و بندهای الف و ب از ماده ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹)؛ بدیهی است که خنثای آسان که حسب مورد جنسیت غالب ایشان مونث یا مذکر است مشمول مقررات جنس خود می‌باشد، اما در خنثای مشکل به استناد اصل عدم و اصل لزوم تدقیق در حقوق، مقررات ناظر بر پسران را در خصوص سن بلوغ می‌توان اعمال نمود. مستنداً به مواد ۷ و ۸ از قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، تکلیف والدین بر آموزش اطفال و نوجوانان از آغاز دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه است؛ لذا با رسیدن فرد به سن ۱۸ سال تمام این تکلیف خاتمه یافته و از این پس نفقه اقارب (ماده ۱۱۹۶ قانون مدنی) و یا نفقه در قالب تکلیف سرپرست به موجب مقررات آتی الذکر، جایگزین تکلیف آموزش خواهد شد و به اصطلاح آموزش اختیاری خواهد گردید.

اولیاء مشتمل بر اولیای خاص یعنی پدر، جد پدری و وصی منصوب از ناحیه یکی از ایشان در صورت فقدان دیگری (ماده ۱۱۹۴ قانون مدنی) و نیز مادر (ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی) بوده و سرپرست مشتمل بر قیم و هر شخص طبیعی یا حقوقی است که امر نگهداری به موجب قانون و یا در عمل بر عهده ایشان می‌باشد (مواد ۷ و ۸ از قانون حمایت از اطفال و نوجوانان)؛ به‌عنوان مثال: سازمان بهزیستی، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، کانون اصلاح و تربیت کودکان بزهکار، مراکز خصوصی نگهداری کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست و نیز هر کدام از اقربا و اشخاصی است که عملاً نگهداری طفل را بر عهده گرفته‌اند؛ لذا در تحقیق حاضر به ادله معنونه در آتیه، دولت به معنای عام و یا خاص از شمول واژه‌ی سرپرست یا ولی خارج است، همچنین است آموزگاران، مربیان، مدیران و مدارس (اسکندری، ۱۳۹۸؛ یزدانیان، ۱۳۹۱)؛ انتظار دارد محققان در این خصوص به تحقیقات مجزی اقدام نمایند.

مسئولیت مدنی به دو معنای عام و خاص بکار رفته؛ در معنای عام عبارتند از: هر تعهدی است که بدون عمل حقوقی (عقد یا ایقاع) ایجاد شود؛ و در معنای خاص

۱۳۴۷/۱/۱۵ (برابر با ۴ آوریل ۱۹۶۸) توسط ایران امضاء گردیده که اهداف آموزش و پرورش و نقش والدین در آن را در ماده ۱۳ مورد تأکید قرار داده <https://fa.wikisource.org> تاریخ دسترسی ۱۴۰۲/۱۰/۱۴؛ مرنندی و همکار، (۱۴۰۰) که مواد ۲۸ و ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک مبتنی بر آن است.

۴- بیانیه کنفرانس عمومی سازمان‌های آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد<sup>۴</sup> ۱۹۷۶ که بر آموزش مادام‌العمر با حق مشارکت عموم در زندگی سیاسی، فرهنگی، هنری و علمی تأکید و سوادآموزی را به‌عنوان عامل مهم توسعه همه جانبه قلمداد نموده است (حججی‌نجف‌آبادی و همکار، ۱۳۹۸).

۵- اعلامیه جهانی آموزش برای همه ۱۹۹۰ جامتین تایلند<sup>۵</sup> که به همت ۵ سازمان بین‌المللی<sup>۶</sup> برگزار و در مقدمه اعلامیه، آموزش را حق بنیادین هر فرد انسانی در هر سنی و در هر نقطه از جهان دانسته و از اهداف این سند ایجاد فرصت‌ها و محیط‌های آموزشی مناسب برای همه از جمله کودکان و نوجوانان و بهبود کیفیت یادگیری، توانمندسازی افراز برای زندگی اجتماعی، احساس مسئولیت، احترام به میراث فرهنگی، زبانی و معنوی جمعی، افزایش بردباری و تحمل افراد در برابر سیستم‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی متفاوت و همکاری برای صلح و همبستگی بین‌المللی مقرر نموده است (محب‌حسینی، ۱۳۹۷؛ رستگاران و همکاران، ۱۳۹۴).

۶- گردهمایی سال ۲۰۰۰ داکار سنگال با حمایت ۵ سازمان مارالذکر و حضور وزرای آموزش و پرورش کشورهای جهان به‌منظور بررسی عملکرد کشورها و تعهدات و مسئولیت‌های آنها در قبال کنفرانس آموزش برای همه جامتین تایلند و لزوم دسترسی به فرصت‌های آموزشی با کیفیت بالا، عادلانه و بدون تبعیض، تضمین حق بر آموزش توسط دولت‌ها، آموزش پایه رایگان با ۶ هدف و ۱۱ استراتژی تشکیل و برنامه عمل ۱۵ سال آینده را مقرر نمود (حججی‌نجف‌آبادی و همکار، ۱۳۹۸).

تحقیقی انجام شده در خصوص حق بر آموزش، وضعیت اسناد بین‌المللی از لحاظ میزان الزام‌آور بودن آن و نیز پذیرش و یا عدم پذیرش آن از سوی دولت ایران مورد بررسی قرار نگرفته که در کار حاضر در حد بضاعت اقدام به این امر می‌نماییم.

## حق بر آموزش در اسناد بین‌المللی و موقعیت فعلی ایران

### اسناد آرمانی و یا غیرالزام‌آور برای ایران

۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر<sup>۱</sup> مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ که در همان تاریخ ایران جزو امضاءکنندگان این اعلامیه بوده است. مطابق ماده ۲۶ از این اعلامیه آموزش ابتدایی رایگان و اجباری است (حججی‌نجف‌آبادی و همکار، ۱۳۹۸؛ اسلامی و همکار، ۱۳۹۲)؛ این کنوانسیون با تأکید بر برابری انسان‌ها و وحدت حقوق بنیادین بشر، انسان را دارای حق شرکت در تصمیم‌گیری برای خود دانسته و ضمن اعطای حق انتخاب نوع آموزش به پدر و مادر، بر لزوم منتهی گردیدن آموزش بر رشد شخصیت انسان تأکید نموده است.

۲- کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش<sup>۲</sup> مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ که ایران به موجب قانون الحاق دولت ایران به قرارداد بین‌المللی مبارزه با تبعیض در امر تعلیمات مصوب ۱۳۴۶/۱۲/۷ به این کنوانسیون پیوسته است؛ که این کنوانسیون آموزش ابتدایی را اجباری و رایگان اعلام و هر گونه تبعیض، تمایز و محرومیت ناشی از نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا ملی و وضعیت اقتصادی یا شرایط تولد را رد و منافی با منزلت انسان دانسته و آموزش متوسطه را برای همگان برابر دانسته است (سلامتی و همکاران، ۱۳۹۴)، که البته این کنوانسیون علی‌رغم لازم‌الاجرا بودن آن برای دولت ایران، عملاً با اعمال رزرو جمهوری اسلامی به کنوانسیون کودک و قوانین داخلی ایران (که متعاقباً بررسی خواهد شد) <https://qavanin.ir>، تاریخ دسترسی ۱۴۰۲/۱۰/۱۴، قابلیت اجرا در داخل کشور را ندارد، به عبارت دیگر، اگرچه از منظر بین‌المللی برای حکومت ایران لازم‌الاتباع است، ولی در حقوق داخلی قابلیت اجرا ندارد.

۳- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی<sup>۳</sup> مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ که در تاریخ

<sup>۴</sup> . General Conference of the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organizations.

<sup>۵</sup> . World Declaration on Education for All.

<sup>۶</sup> . مشتمل بر: یونسکو (UNESCO)، صندوق جمعیت سازمان ملل متحد (UNFPA)، بانک جهانی (World Bank)، برنامه عمران جهانی (UNDP) و یونیسف (UNICEF).

<sup>۱</sup> . Universal Declaration of Human Rights.

<sup>۲</sup> . Convention against Discrimination in Education.

<sup>۳</sup> . International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights.

وسيله بخشى از آن را در نظم حقوقى داخلى ايران وارد نموده است.

ماجرای تصویب کنوانسیون حقوق کودک از این قرار بوده است که ابتدا مجلس در تاریخ ۱۳۷۲/۱۰/۲۵ ماده واحده‌ای تحت عنوان لایحه، اجازه‌ی الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک به شماره ۲۲۶۷-ق تصویب و به شورای محترم نگهبان ارسال می‌نماید؛ در ادامه شورای محترم نگهبان بند ۱ ماده ۱۲<sup>۴</sup>، بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۳<sup>۵</sup>، بندهای ۱ و ۳ ماده ۱۴<sup>۶</sup>، بند ۲ ماده ۱۵<sup>۷</sup>، بند ۱ ماده ۱۶<sup>۸</sup> و بند "د" قسمت ۱ از ماده ۲۹<sup>۹</sup> را مغایر موازین شرع شناخته و لایحه را عینا به مجلس اعاده و مجلس نیز با اعمال اصلاحات مد نظر شورای محترم نگهبان لایحه را مجددا تصویب و به شورای محترم نگهبان ارسال، که شورای محترم نگهبان نیز در تاریخ ۱۳۷۲/۱۲/۱۱ لایحه مزبور را با اصلاحات انجام شده تصویب نمود.

### قوانین داخلی

#### قوانین قبل از انقلاب

۱- قانون راجع به آموزش و پرورش عمومی، اجباری و مجانی مصوب ۱۳۲۲/۵/۶ که مطابق ماده ۱ تا سال ۱۳۳۲ دولت را مکلف به تدارک آموزش ابتدایی عمومی و اجباری نموده و مطابق ماده ۵ والدین را مکلف به ثبت نام اطفال با اتمام سن ۶ سالگی و در شهریور ماه در مدارس نموده و ضمانت اجرای عدم عمل به تکلیف از سوی والدین را اول اجبار و دوم ده ریال جریمه معین نموده است (مواد ۵ و ۶) (https://rc.majlis.ir/ ۱۴۰۲/۱۰/۱۴ تاریخ دسترسی).

۲- در ۱۳۵۰/۳/۲۹ قانون اصلاح قانون آموزش و پرورش عمومی، اجباری و مجانی مصوب مرداد ماه ۱۳۲۲ تصویب

۷- بیست و هفتمین نشست ویژه سازمان ملل متحد به سال ۲۰۰۲ تحت عنوان جهانی مناسب برای کودکان<sup>۱</sup> دسترسی کودکان به آموزش ابتدایی با کیفیت، رایگان، اجباری و مساوی را مقرر نمود.

۸- کنوانسیون حقوق افراد معلول سال ۲۰۰۶<sup>۲</sup> علی-الخصوص مواد ۷ و ۲۴ این کنوانسیون بر حقوق مشابه این اشخاص با سایر کودکان و عدم تبعیض در آموزش ایشان تأکید نموده است (اسلامی و همکار، ۱۳۹۲).

۸- کنفرانس جهانی آموزش ۲۰۱۵ اینچئون جمهوری خلق کره<sup>۳</sup> که به همت ۵ سازمان مارالذکر به علاوه نهاد حقوق بشر سازمان ملل تشکیل که بر نقش آموزش بر توسعه فراگیر و لزوم کیفیت بالای آموزش و مادام‌العمر بودن آن تأکید نموده و متعهد به اجرای برنامه توسعه‌ای SDG4 (چشم‌انداز ۲۰۳۰) تا سال ۲۰۳۰ گردیدند (حججی‌نجف‌آبادی و همکار، ۱۳۹۸).

۹- اعلامیه حقوق بشر اسلامی مصوب ۵ اوت ۱۹۹۰ که بر لزوم تأمین مقدمات تعلیم و تربیت توسط دولت، تضمین تنوع تعلیم بر اساس مصالح عامه و لزوم معرفت بر دین اسلام تأکید نموده است که بشدت مورد اعتراض برخی دول مسلمان قرار گرفت که در نهایت، در نوامبر ۲۰۲۰ پس از بازنگری تحت عنوان اعلامیه قاهره سازمان همکاری اسلامی در مورد حقوق بشر در نیامی نیجر به تصویب رسید (https://fa.wikipedia.org، تاریخ دسترسی ۱۴۰۲/۱۰/۱۴).

۱۰- میثاق حقوق کودک در اسلام که بر حق پدر در تعیین نوع آموزش کودکان، نیز رایگان و اجباری بودن آموزش ابتدایی و توسعه مقطع متوسطه برای تمامی کودکان و لزوم توجه به علائق و توانمندسازی کودکان تأکید نموده است (https://alefbayefarda.ir، تاریخ دسترسی ۱۴۰۲/۱۰/۱۴).

#### یک سند بین‌المللی الزام‌آور

تنها سند بین‌المللی الزام‌آور در داخل کشور کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد است که از ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ اجرایی شده و جمهوری اسلامی ایران نیز با کش و قوس‌ها و حق رزوه‌های معینی این کنوانسیون را تصویب و بدان

۴. آزادی ابراز عقاید از سوی کودک و لزوم بها دادن به آن

۵. آزادی جستجو، دریافت و رساندن اطلاعات و عقاید از هر نوع، بدون توجه به مرزها به هر شکل؛ صرفاً قانون می‌تواند در مقابل این حق محدودیت ایجاد کند.

۶. حق آزادی فکر، عقیده و مذهب برای کودک؛ آزادی اظهار مذهب و عقاید و محدودیت‌های آن.

۷. محدودیت‌های آزادی اجتماعات و مجامع.

۸. عدم دخالت و هتک حرمت در امور خصوصی و خانوادگی و مکاتبات کودک.

۹. آماده نمودن کودک برای زندگی مسئولانه و جامعه‌آزاد؛ روحیه تفاهم و صلح و صبر و تساوی بین زن و مرد و دوستی بین مردم و گروه‌های قومی، مذهبی، ملی و اشخاص دیگر.

۱. A World Fit for Children.

۲. Convention on the Rights of Persons with Disabilities.

۳. World Education Forum.

خصوص تدارک وسایل تحصیل رایگان برای دوره های ابتدایی و متوسطه و نیز آموزش عالی را از قسم تعهد به وسیله تشخیص <https://qavanin.ir> تاریخ دسترسی ۱۴/۱۰/۱۴۰۲) و بدان وسیله اولاً بار اثبات کم‌کاری احتمالی دولت در عمل به این تکلیف را بر عهده مدعی گذاشته و در ثانی حق بر آموزش رایگان را تضمین شده از ناحیه حکومت ندانسته است، هر چند به لحاظ قانونی نیز اثبات مسئولیت دولت جز در موارد نقص وسایل تقریباً غیرممکن است (ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹)؛ در عین حال نظر به اینکه امر آموزش از اعمال حاکمیتی محسوب می‌شود، به صراحت قسمت اخیر این ماده دولت فاقد مسئولیت است (سیدحاتمی و همکار، ۱۴۰۱؛ محمدی و همکاران، ۱۳۹۷).

**۲- قوانین عادی:** قوانین عادی که پس از انقلاب تصویب و اجرایی گشته‌اند مشتمل بر موارد ذیل هستند: اول قانون اهداف و وظایف آموزش و پرورش مصوب ۱۳۶۶/۱۱/۲۵ است که به لحاظ اجباری و همگانی بودن و تکالیف دولت و اولیاء و سرپرستان ساکت است (<https://rc.majlis.ir>، تاریخ دسترسی ۱۴/۱۰/۱۴۰۲)؛ دوم: ماده ۱۰۴ از منشور حقوق شهروندی مصوب آذر ۱۳۹۵ است، که آموزش ابتدایی را اجباری و رایگان دانسته؛ اما با امعان نظر به بخش ارجاعات قانونی مربوط به این ماده که به بند سوم از اصل ۳ و اصل سی‌ام قانون اساسی ارجاع داده، فقدان ضمانت اجرایی مبرهن می‌گردد؛

سوم: قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲/۶/۳۱ است که امکان واگذاری سرپرستی این کودکان و تشریفات قانونی آن را مورد

بعضا باید فراهم شود و با عدم امکانات کلی دولت با رعایت اولویت‌ها مثل ترجیح مستضعفان و مستعدان بر دیگران اقدام می‌نماید. لازم به تذکر است که مستفاد از اصل ۳۰ قانون اساسی دولتی بودن مدارس و دانشگاه‌های ملی به موجب قوانین عادی نمی‌باشد، علی‌هذا مادام که دولت از امکانات فراهم کردن وسایل آموزش رایگان برخوردار نیست، عمل به مصوبه شورای انقلاب مغایر با قانون اساسی نمی‌باشد.

<sup>۳</sup> نظریه شماره ۵۵۷۸ مورخ ۱۳۶۴/۱۲/۱ در پاسخ به استعلام شماره ۵۷۵۰ مورخ ۱۳۶۴/۱۲/۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص دریافت شهریه از دانشجویانی که استطاعت پرداخت دارند؛ با توجه به اینکه از اصل ۳۰ قانون اساسی دولتی بودن آموزش و پرورش و ممنوعیت تأسیس مدارس و دانشگاه‌های ملی استفاده نمی‌شود، چنانچه تأسیس مدارس و دانشگاه‌های ملی در کشور آزاد اعلام شود اضطرار دولت به دریافت شهریه مرتفع می‌گردد و چنانچه با تأسیس مدارس ملی رفع اضطرار نشود تفسیر قانون اساسی قابل بررسی خواهد بود.

و بدان وسیله تعلیمات عمومی اجباری را به دو دوره ۵ ساله ابتدایی و سه ساله راهنمایی تسری داده است.

۳- قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب ۱۳۵۳/۴/۳۰؛ علاوه بر اینکه تحصیلات حرفه‌ای تا پایان دوره متوسطه را مجانی اعلام نموده (ماده ۵)، پدر و مادر و سرپرست را علاوه بر الزام به ثبت نام، الزام به تهیه وسایل تحصیل نیز نموده (ماده ۲) و در عین حال پدر و مادر و سرپرست را در مورد نوجوانان زیر ۱۸ سال مستعد ملکف به ثبت نام و تهیه وسایل تحصیل دوره متوسطه نموده و در صورت عدم امکان مالی بر عهده دولت گذاشته است (ماده ۳) (<https://rc.majlis.ir>)، تاریخ دسترسی ۱۴/۱۰/۱۴۰۲؛ رستگاران و همکار، ۱۳۹۴). ماده ۴ این قانون ضمانت اجرای عدم عمل به تکالیف از سوی پدر، مادر و سرپرست را در بار اول ده تا دویست هزار ریال جزای نقدی و در صورت تکرار یک تا سه سال حبس جنج‌های و الزام به تأمین هزینه‌های تحصیل کودک یا نوجوان نموده است.<sup>۱</sup>

#### قوانین بعد از انقلاب

**۱- قانون اساسی:** مطابق بند ۳ از اصل سوم رایگان بودن و عمومیت آموزش و پرورش در همه سطوح مقرر و بر لزوم تسهیل و تعمیم آموزش عالی نیز تأکید شده، اما در اصل سی‌ام که مفسر این بند است (علیجان‌نجف‌آبادی و همکار، ۱۳۹۳؛ Vista News Hub تاریخ دسترسی ۱۴/۵/۲۶؛ ولی‌زاده و همکار، ۱۳۹۸؛ مرنیدی، ۱۴۰۰)، مقرر گردیده: دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و در خصوص تحصیلات عالی نیز تا سرحد خود کفایی چنین تکلیفی برای دولت مقرر گردیده (خانی‌والی - زاده و همکار، ۱۳۹۶)؛ اما بر اساس اصل ۹۸ قانون اساسی تفسیر اصول قانون اساسی بر عهده شورای نگهبان است. شورای محترم نگهبان در دو نظریه تفسیری؛ اولی در ۱۳۶۳/۵/۱۷<sup>۲</sup> و دومی در ۱۳۶۵/۲/۱۶<sup>۳</sup> تعهد دولت در

<sup>۱</sup> . نظم حقوقی حاکم بر تحصیل کودکان و نوجوانان قبل از انقلاب تقریباً منطبق بر اصل ۳۴ قانون اساسی ایتالیا بوده است.

<sup>۲</sup> . نظریه شماره ۱۵۴۳ مورخ ۱۳۶۳/۵/۱۷ شورای نگهبان عطف به نامه شماره ۱۰۳۰۳ مورخ ۱۳۶۲/۱۰/۲۹ نخست‌وزیری آقای میرحسین موسوی (در مقام پاسخ به سؤال وزیر آموزش و پرورش در مورد رایگان بودن کارنامه و گواهینامه‌های تحصیلی مقاطع مختلف تحصیلی): اصل ۳۰ قانون اساسی و بعضی اصول مشابه آن مسیر سیاست کلی نظام را تعیین می‌نماید و مقصود این است که دولت امکاناتی را در اختیار دارد، در کل رشته‌هایی که در قانون اساسی پیشنهاد شده، به‌طور متعادل طبق قانون توزیع نماید، بنابراین آموزش رایگان در حد امکان کلاً یا

۱۳۹۴)، لذا امکان اقامه دعوی از سوی اعضای خانواده علیه همدیگر ممکن نبوده، لیکن در حال حاضر خانواده شخصیت حقوقی مستقل ندارد، لذا اصولاً امکان اقامه دعوی از سوی اعضای خانواده علیه همدیگر، با مشکل حقوقی روبه‌رو نیست.

از طرف دیگر، نظر به اینکه در کار حاضر مسئولیت مدنی به معنای مضیق، یعنی تعهد شخص به جبران خسارات وارده به دیگری از سوی او بکار رفته؛ ارکان این قسم از مسئولیت مشتمل بر فعل زیانبار، ورود ضرر و رابطه سببیت بین فعل زیانبار و ورود ضرر و نیز رابطه بین تقصیر و ورود ضرر است (کاتوزیان، ۱۳۸۲؛ صفایی و همکار، ۱۳۹۸)؛ که به ترتیب ذیل بیان می‌گردد.

#### فعل زیانبار

منظور از فعل زیانبار در این قسم از مسئولیت، همانا فعل یا ترک فعلی است که قانوناً عنوان نقض حق بر تحصیل طفل یا نوجوان را شامل می‌گردد، که می‌تواند مشتمل بر موارد ذیل باشد:

۱- به موجب مواد ۵ و ۶ از قانون آموزش و پرورش عمومی و اجباری ۱۳۲۲ و قانون اصلاح آن ۱۳۵۰، عدم نام‌نویسی و در صورت وجود مانع عدم نام‌نویسی پس از رفع مانع (با ضمانت اجرای الزام) و نیز عدم سپردن طفل به مدرسه به‌طور منظم در صورت فقدان عذر موجه (با ضمانت اجرای الزام و ده ریال جریمه)، فعل زیانبار محسوب می‌گردد.

۲- در قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان ۱۳۵۳ در خصوص اشخاص کمتر از ۱۸ سال، به موجب مواد ۳ و ۴؛ پدر، مادر یا سرپرست مکلف است وسایل تحصیل طفل یا نوجوان را فراهم کند (ارسطویی، ۱۳۹۹)، وگرنه در صورتی که با وجود تمکن مالی از تهیه وسایل تحصیل خودداری یا از تحصیل شخص مزبور جلوگیری نماید، به الزام و جزای نقدی از ده هزار تا دویست هزار ریال محکوم می‌گردد.

۳- مطابق ماده ۷ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹؛ هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی طفل و نوجوان و تمامی اشخاصی که مسئولیت نگهداری، مراقبت و تربیت ایشان را بر عهده دارند، در صورتی که از تهیه وسایل و امکانات تحصیل و نیز ثبت نام خودداری و یا از تحصیل ایشان جلوگیری نماید، علاوه بر الزام به اجرای تکلیف، به جزای نقدی درجه ۷ قانون مجازات

بررسی قرار داده و صرفاً به‌طور کلی در ماده ۱۷ جز در خصوص تبصره ماده ۱۵ از همین قانون، تکالیف سرپرست را در خصوص تربیت و نفقه کودک یا نوجوان، همانند پدر و مادر دانسته است؛

چهارم: قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ می‌باشد که مواد ۷ و ۸ این قانون ضمن نسخ ضمنی ضمانت‌های اجرایی مقرر در قوانین قبل از انقلاب (ره‌گشای و همکار، ۱۳۹۶؛ قماش، ۱۳۹۹؛ آئین، ۱۳۹۹)، اولاً الزام به اجرای تکلیف از سوی اولیاء و سرپرستان را مقرر و در نتیجه تعهد بر آموزش اطفال و نوجوانان را برای ایشان به رسمیت شناخته و ثانیاً برای نقض حق بر آموزش اطفال و نوجوانان از اول ابتدایی تا پایان دوران متوسطه برای اولیاء، سرپرستان و مربیان، ضمانت اجرای کیفری مقرر و بدان وسیله بحث مسئولیت مدنی اولیاء و سرپرستان (ارسطویی، ۱۳۹۹؛ دریکوند، ۱۴۰۱) اطفال و نوجوانان در قبال نقض حق بر آموزش ایشان را پایه‌گذاری نموده است (ماده ۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲/۱۲/۴).

#### ارکان مسئولیت مدنی اولیاء و سرپرستان

سؤال اساسی آن است که اگر تشکیل خانواده و فرزندآوری حق بنیادین بشر است، چرا باید بشر از حیث نقض حق بر آموزش اطفال و نوجوانان تحت سرپرستی خود، مسئولیت داشته باشد. اگر چه در تاریخ حقوق ایران سابقه تعیین شخصیت حقوقی مستقل برای خانواده وجود داشته و در حقوق انگلستان نیز چنین بوده (احمدزاده و همکاران،

۱. ماده ۷: هر یک از والدین، اولیاء سرپرستان قانونی طفل و نوجوان و تمام اشخاصی که مسئولیت نگهداری، مراقبت و تربیت طفل زل بر عهده دارند، چنانچه برخلاف مقررات قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان ایرانی مصوب ۱۳۵۳/۴/۳۰ از ثبت نام و فراهم کردن موجبات تحصیل طفل و نوجوان واجد شرایط تحصیل تا پایان دوره متوسطه امتناع نمایند یا به هر نحوی از تحصیل او جلوگیری کنند، به انجام تکالیف یاد شده و جزای نقدی درجه ۷ قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند. تبصره: هرگاه محکوم علیه پس از ابلاغ حکم قطعی از انجام تکلیف مقرر در مهلت تعیین شده از طرف دادگاه خودداری کند یا پس از اجرای حکم، دوباره طفل یا نوجوان را از تحصیل بازدارد، به جزای نقدی درجه ۶ قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود. ماده ۸: هر کس با تهدید، ترغیب یا تشویق موجب فرار طفل یا نوجوان از خانه یا مدرسه و یا ترک تحصیل وی شود یا اطفال یا نوجوانان را بدین منظور فریب دهد و یا موجبات آن را تسهیل یا فراهم کند، در صورت فرار یا ترک تحصیل، حسب مورد به یک یا چند مورد از مجازات‌های درجه ۶ قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود و در صورت عدم تحقق فرار یا ترک تحصیل، برای بار اول با اخطار پلیس ویژه اطفال و نوجوانان مواجه و در صورت تکرار به مجازات فوق محکوم می‌شود.

### ورود ضرر

در صورت فقدان ضرر، مسئولیت مدنی به معنای خاص منتفی است؛ لذا صرف نقض حق بر آموزش بدون اینکه ضرری وارد شده باشد، نمی‌تواند منتهی به مسئولیت مدنی گردد. ضرر باید قابل جبران باشد، به این منظور باید اوصافی همچون مسلم، مستقیم و جبران نشده بودن، داشته باشد (Mazeud, 1991). به دلالت ماده ۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری؛ اولاً ضرر مشتمل بر ضررهای مادی و معنوی بوده و ثانياً فوت منفعت‌های ممکن‌الحصول نیز مورد حمایت قانون است؛ ضررهای مادی مشتمل بر ضررهای جسمی و مالی و ضرر معنوی مشتمل بر تحمل رنج و درد و اختلالات روانی ناشی از نقض حق بر آموزش بوده (سلامی و همکاران، ۱۴۰۱؛ نیک‌فرجام، ۱۳۹۲؛ ولی‌زاده و همکار، ۱۳۹۸؛ صفایی و همکار، ۱۳۹۸) و فوت منافع ممکن‌الحصول نیز می‌تواند مشتمل بر از دست دادن موقعیت‌های شغلی و اجتماعی و نظایر آن باشد. به هر صورت لزوماً رابطه بین این ضررها و نقض حق بر آموزش باید اثبات گردد تا مسئولیت مدنی قابل تحقق گردد.

### رابطه سببیت

همان‌گونه که فوقاً اشاره گردید، صرف فعل یا ترک فعل اولیاء و سرپرستان بدون احراز تقصیر از ناحیه ایشان، نمی‌تواند منتهی به مسئولیت مدنی ایشان از قبل نقض حق بر آموزش گردد (پورعبداللہ و همکاران، ۱۳۹۲؛ رفاعی، ۱۳۹۹)؛ چرا که صرف وجود رابطه سببیت بین فعل اشخاص مزبور و ورود ضرر به طفل یا نوجوان، قانوناً موجب مسئولیت ایشان نبوده؛ بلکه باید در این فعل یا ترک فعل مقصر باشند (کاتوزیان، ۱۳۸۲؛ صفایی و همکار، ۱۳۹۸؛ Juliot, 1961)؛ نشان به آن نشان که صرف امتناع از ثبت نام یا جلوگیری از آن یا عدم تهیه وسایل تحصیل یا نسپردن طفل به محل تحصیل، نمی‌تواند مقصرانه تلقی گردد؛ لازم است موارد فوق بدون عذر موجه صورت پذیرد تا موجبات مسئولیت اشخاص فوق را فراهم نماید؛ ملاک تشخیص نیز عرف است. همچنین رفتارهای مجرمانه مطروحه در مواد ۷ و ۸ از قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مقرون به عمد و سوء نیت عام و خاص است که فرد اجلای تقصیر محسوب می‌گردد. اگر اشخاص فوق عامدانه از ثبت نام و تهیه وسایل تحصیل طفل یا نوجوان خودداری یا ایشان را ترغیب و تشویق به فرار نموده و یا فریب دهند، حائز تقصیر جزایی شده، بدان وسیله به استناد ماده ۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری

اسلامی محکوم می‌شود. مطابق تبصره این ماده عدم اجرای تکلیف پس از ابلاغ حکم قطعی یا تکرار فعل مجرمانه، منتهی به محکومیت جزای نقدی درجه ۶ خواهد شد.

۴- مطابق ماده ۸ از قانون فوق؛ هر کس نوجوان را تهدید، تشویق یا ترغیب به فرار از مدرسه یا منزل یا ترک تحصیل نماید و یا نوجوان را فریب داده و یا موجبات و یا تسهیلات فرار یا ترک تحصیل ایشان را فراهم کند، در صورتی که منتهی به فرار یا ترک تحصیل گردد، حسب مورد به یک یا چند مورد از مجازات‌های درجه ۶ قانون مجازات اسلامی محکوم در صورت عدم تحقق فرار، برای بار اول با اخطار پلیس ویژه اطفال و نوجوانان مواجه و در صورت تکرار (و حتی عدم تحقق نتیجه) به یک یا چند مورد از مجازات‌های درجه ۶ محکوم می‌گردد. بدیهی است در خصوص این دو ماده در صورت ورود ضرر ناشی از نقض حق آموزش طفل یا نوجوان و به استناد ماده ۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری؛ کلیه خسارات از جمله: فوت منافع ممکن‌الحصول (تبصره ۲)، ضررهای مادی و معنوی (صدر ماده و تبصره ۱)، از باب مسئولیت مدنی ناشی از جرم قابل مطالبه هستند؛ حتی اگر اصل جرم نیز اثبات نگردد.

با توجه به مطالب معنونه فوق به این نتیجه می‌رسیم که منظور از فعل زیانبار در مسئولیت مدنی مرتبط با نقض حق بر آموزش، هر فعل یا ترک فعلی است که مقصرانه بوده و از طریق نقض حق بر آموزش، منتهی به ضرر طفل یا نوجوان گردد؛ نیز منظور از نقض حق بر آموزش امتناع از ثبت نام بدون وجود مانع قانونی، عدم سپردن منظم طفل به مدرسه بدون معاذیر موجه، عدم تهیه وسایل تحصیل طفل یا نوجوان با وجود تمکن، جلوگیری از ثبت نام و تحصیل طفل یا نوجوان، تشویق یا ترغیب به ترک تحصیل و فرار از محل تحصیل، فریب و نیز تدارک موجبات و تسهیلات فرار حتی در صورت عدم تحقق فرار منوط به ورود ضرر به طفل یا نوجوان می‌باشد؛ لذا مبرهن است که مسئولیت مزبور بر نظریه تقصیر (Stark, 1972)؛ (Mazeud, 1991) استوار و مشمول نظریه تقصیر موضوع ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ است؛ لذا فعل یا ترک فعل موضوع این مسئولیت باید مقصرانه بوده، علاوه بر اثبات وقوع فعل زیانبار باید رابطه سببیت بین تقصیر وارد آورنده زیان و ورود ضرر نیز اثبات گردد.



مسئولیت جبران کلیه خسارات طفل یا نوجوان را خواهند داشت. اولیاء و سرپرستان اطفال و نوجوانان در صورت تمکن مالی، مکلف به تأمین وسایل تحصیل اطفال و نوجوانان تحت سرپرستی خود می‌باشند، در غیر این صورت واجد مسئولیت مدنی خواهند بود. صرف نقض حق بر آموزش موجب جبران خسارت نبوده، بلکه نقض حق بر آموزش باید منتهی به ورود ضرر به طفل یا نوجوان گردد.

### بحث و نتیجه‌گیری

از آنجایی که حق بر آموزش در حیطة اعمال حاکمیتی دولت قرار می‌گیرد، نقض حق بر آموزش در نظام حقوقی ایران مسئولیتی برای دولت در داخل کشور ایجاد نمی‌نماید. اما در خصوص اولیاء و سرپرستان قانونی اطفال و نوجوانان که می‌تواند مشتمل بر پدر، مادر، جد پدری، وصی منصوب از ناحیه یکی از ایشان در صورت فقدان دیگری، قیم و هر شخص دیگری باشد که قانوناً یا عملاً نگهداری و تربیت طفل و نوجوان بر عهده ایشان می‌باشد. در صورت نقض حق بر آموزش که می‌تواند از طریق امتناع یا جلوگیری از ثبت نام یا سپردن منظم طفل به محل تحصیل و یا فراهم نمودن وسایل تحصیل ایشان بوده و یا به صورت ترغیب و تشویق به فرار و ترک تحصیل بوده یا مشتمل بر فریب نوجوان بر فرار یا ترک تحصیل باشد، در صورتی که حسب مورد مقصرانه و یا عامدانه باشد، موجبات مسئولیت مدنی اولیاء، سرپرستان و مربیان را فراهم نموده ایشان را متعهد به جبران خسارات مادی و معنوی و فوت منافع ممکن‌الحصول ناشی از نقض حق بر آموزش طفل یا نوجوان می‌گرداند. کار حاضر با توجه به رویکرد خالص به مقررات خاص ناظر بر حق بر آموزش و یافت نشدن مشابه منطبق، دارای جنبه نوآوری می‌باشد.

## منابع

## کتاب و مقالات

- آیین، علی‌رضا، (۱۳۹۹)، نقدی بر ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی و پیشنهاد نظریه مسئولیت منصفانه در مورد صغار و مجانین (مطالعه تطبیقی)، فصلنامه علمی تخصصی دانشنامه‌های حقوقی، دوره ۳، شماره ۸، ص ۵۲-۱۵.
- احمدزاده، سیدعلی، پارساپور، محمدباقر، بادینی، حسن، عزیزی، ابراهیم، (۱۳۹۴)، افول قاعده «مصونیت والدین از مسئولیت مدنی در برابر فرزندان» و شیوه‌های جبران خسارت مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، سال ۱۹، شماره ۴، ص ۱-۲۳.
- ارسطویی، مرجان، (۱۳۹۹)، تعهدات زوجین سرپرست نسبت به فرزند خوانده و ضمانت اجرای آن در نظام حقوقی ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلستان، فصلنامه حقوق کودک، دوره ۲، شماره ۸، ص ۱۱۱-۱۴۵.
- اسکندری، راضیه، (۱۳۹۸)، واکاوی مسئولیت مدنی معلم در برابر دانش‌آموز از منظر حقوقی، پنجمین همایش ملی حقوق "تحولات مسئولیت‌های مدنی در نظام حقوقی ایران"، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد.
- اسلامی، رضا، امجدیان، فائزه، (۱۳۹۲)، حق بر آموزش کودکان دارای معلولیت ذهنی از منظر حقوق بین‌الملل بشر و حقوق ایران، نشریه حقوق اساسی، دوره ۱۰، شماره ۱۹، شماره پیاپی ۱۹، ص ۲۵۸-۲۰۳.
- پورعبدالله، کبری، حسینی فروغ‌السادات، سیار، محمدمهدی، (۱۳۹۲)، گستره حق والدین بر تربیت کودک (مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران با اسناد بین‌المللی)، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، سال پانزدهم، شماره ۶۰، ص ۲۳۸-۱۹۵.
- حججی‌نصف‌آبادی، مرضیه، پاپا، موسیو، (۱۳۹۸)، حق بر آموزش کودکان در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، فصلنامه حقوق کودک، سال اول، شماره سوم، ص ۲۳۶-۲۱۵.
- خانی‌والی‌زاده، سعید، لطفی، امیرعلی، (۱۳۹۶)، بررسی حق بر آموزش در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، دو فصلنامه حقوق اساسی، سال چهاردهم، ص ۴۱-۱۹.
- دریکوند، فاطمه‌زهره، (۱۴۰۱)، حق بر آموزش از منظر فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران، فصلنامه بین‌المللی قانون یار، شماره ۲۱.
- رستگاران، ندا، فرزانه، عبدالحمید، (۱۳۹۴)، حق آموزش در حقوق ایران، فرانسه و چین، دومین کنگره ملی پژوهش‌های کاربردی علوم انسانی اسلامی، استان گلستان، گرگان.
- رفاعی، غزاله، (۱۳۹۹)، قلمرو نظارت دولت بر حق و تکلیف والدین کودک بر حضانت (نگهداری)، فصلنامه حقوق ملل، شماره ۳۹، ص ۵۳۹-۵۸۲.
- ره‌گشای، لیلا، سلیمانیان، محمدهادی، (۱۳۹۶)، مسئولیت مدنی والدین و سرپرست در قبال فعل زیانبار اطفال، ماهنامه پژوهش ملل، دوره دوم، شماره ۲۴، ص ۹۷-۱۱.
- سلامتی، یعقوب، اخوان‌فرد، مسعود، عطریان، فرامرزی، (۱۳۹۴)، تکلیف بر رعایت حق بر آموزش در حقوق اسلامی و مقررات حقوق بشر، فصلنامه علمی-پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال هشتم، شماره ۴، ص ۱۰۴-۸۹.
- سلامی، شهرام، زارع‌اسفیدانی، زهرا، حسینی، سحر، معتمدنژاد، رؤیا، (۱۴۰۱)، حق بر سلامت روان کودکان در فضای مجازی در پرتو نظام حقوقی ایران، اسلام و اسناد بین‌المللی حقوق بشر، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال بیست و سوم، شماره اول، پیاپی ۵۵، ص ۱۶۰-۱۳۱.
- سیدحاتمی، مریم، مصفا، نسرين، (۱۴۰۱)، ساز و کارهای بین-المللی احراز مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال تبعیض جنسیتی در آموزش، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۲، شماره ۳، ص ۱۲۰۳-۱۱۸۵.
- صفایی، سیدحسین، (۱۳۹۸)، اشخاص و اموال، چاپ بیست و هفتم، تهران: انتشارات میزان.
- علیجان‌نصف‌آبادی، آزاده، راعی‌دهقی، مسعود، (۱۳۹۳)، ساز و کارهای حمایت از کودک بر آموزش در فقه امامیه، اسناد حقوق بشری و قانون اساسی، دو فصلنامه علمی-ترویجی فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، سال نوزدهم، شماره ۶۰، ص ۱۶۹-۱۴۵.
- قماشی، سعید، صادقی‌رام، رقیه، (۱۳۹۹)، امکان‌سنجی حق بر آموزش به منزله مبنایی برای مسئولیت کیفری، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۳، شماره پیاپی ۱۵۱، سال سی و هشتم، ص ۵۱-۶۶.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۲)، الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری، مسئولیت مدنی، غصب و استغناء، چاپ سوم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۴)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، اموال و مالکیت، چاپ چهل و چهارم، تهران: انتشارات میزان.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۵)، فلسفه حقوق، جلد اول، چاپ هشتم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۸)، مقدمه علم حقوق، چاپ بیست و پنجم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کریم‌پورآل‌هاشم، سیدمحمدتقی، (۱۴۰۲)، تقریرات درس حقوق مسئولیت مدنی مقطع کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس.
- محب حسینی، محدثه، (۱۳۹۷)، برنامه آموزش برای همه، دانشنامه ایرانی برنامه درسی، تاریخ انتشار ۱۳۹۷/۱۰/۲۶.
- محمدی، شهرام، بیژنی‌میرزا، طیبه، حاتمی، مهدی، (۱۳۹۷)، نقش خانواده، مدرسه و رسانه در پیشگیری از وقوع جرم با تأکید بر معیارهای بین‌المللی حاکم بر تعهد دولت‌ها در آموزش

## اسناد بین‌المللی

اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ( Universal Declaration of Human Rights ) مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ .

کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش ( Convention against Discrimination in Education ) مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ .

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ( International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights ) م مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ .  
بیانیه کنفرانس عمومی سازمان‌های آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد ( General Conference of the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organizations ) ۱۹۷۶ .

اعلامیه جهانی آموزش برای همه ۱۹۹۰ جامتین تایلند ( World Declaration on Education for All ) .

بیانیه بیست و هفتمین نشست ویژه سازمان ملل متحد به سال ۲۰۰۲ تحت عنوان جهانی مناسب برای کودکان ( A World Fit for Children ) .

کنوانسیون حقوق افراد معلول سال ۲۰۰۶ ( Convention on the Rights of Persons with Disabilities ) .  
اعلامیه حقوق بشر اسلامی مصوب ۵ اوت ۱۹۹۰ .  
میثاق حقوق کودک در اسلام .

## سایت‌ها

Vista News Hub تاریخ دسترسی ۱۴۰۲/۵/۲۶ .  
<https://qavanin.ir> تاریخ دسترسی ۱۴۰۲/۱۰/۱۴ .  
<https://fa.wikisource.org> تاریخ دسترسی ۱۴۰۲/۱۰/۱۴ .  
<https://fa.wikipedia.org> تاریخ دسترسی ۱۴۰۲/۱۰/۱۴ .  
<https://alefbayefarda.ir> تاریخ دسترسی ۱۴۰۲/۱۰/۱۴ .  
<https://rc.majlis.ir> تاریخ دسترسی ۱۴۰۲/۱۰/۱۴ .

## منابع لاتین

Stark, Boris, Droit Civil, Obligations, Paris, 1972.  
Mazeaud, J. H. L., Chaba, F. et Juglart, M. De Lecons de droit civil, t. II, 1th vol., 8<sup>th</sup> ed., 1991.  
Juliot, L. de la Morandiere, Droit Civil, Percec Dallos, Paris, 1961.

افراد، فصلنامه علمی پژوهشی تدریس پژوهی، سال ششم، شماره چهارم، ص ۲۵۴-۲۳۳ .

مرادزاده، حسن، عسکری‌نیا، ندا، (۱۳۹۵)، شناخت مفهوم و مصادیق خطر اجتماعی در حقوق ایران و فرانسه، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال هجدهم، شماره ۵۲، ص ۱۲۸-۱۰۷ .

مردنی، الهه، قربانی، اعظم، (۱۴۰۰)، مبانی و ساز و کارهای حمایتی حق آموزش در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اسناد حقوق بشری، فصلنامه علمی مطالعات حقوق بشر اسلامی، دوره دهم، شماره یکم، پیاپی بیستم، ص ۱۰۲-۷۹ .  
نیک‌فرجام، زهره، (۱۳۹۲)، جبران خسارات معنوی در فقه و حقوق، مجله مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال ششم، شماره ۱۱، ص ۱۲۷-۱۰۵ .

ولی‌زاده، حسن، محمدخانی، بهنام، (۱۳۹۸)، جبران خسارات معنوی در نظام حقوقی ایران، دومین کنفرانس ملی و اولین کنفرانس بین‌المللی حقوق و علوم سیاسی، ص ۱۷-۱ .

یزدانیان، علیرضا، (۱۳۹۱)، طرح مسئولیت مدنی آموزگار ناشی از عمل دانش‌آموز در حقوق ایران همراه با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه، دو فصلنامه علمی-پژوهشی دانش حقوق مدنی، شماره نخست، ص ۴۷-۳۷ .

قوانین و اسناد

قانون مدنی

قانون راجع به آموزش و پرورش عمومی، اجباری و مجانی ۱۳۲۲/۵/۶

قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹/۲/۷

قانون اصلاح قانون راجع به آموزش و پرورش عمومی، اجباری و مجانی ۱۳۵۰/۳/۲۹

قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی ۱۳۵۳/۴/۳۰

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش ۱۳۶۶/۱۱/۲۵

قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست ۱۳۹۲/۶/۳۱

قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲/۱۲/۴

منشور حقوق شهروندی آذر ماه ۱۳۹۵

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹/۲/۲۳